

با سلام و خسته نباشید

شرمندانه من مدتی گرفتار بودم و نتوانستم گزارشی برای شما ارسال دارم. به هر حال اولین گزارشم را به شرح ذیل تقدیم می نمایم.

شرکت پالایش نفت لاوان در جزیره ای مرجانی به همین نام واقع شده است. این شرکت دارای ویژگی های خاص خودش می باشد که طبق شرایط زمان به آن اقماری می گویند یعنی ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت البته کار روزانه ۱۲ ساعت محسوب می شود. از ۵/۵ صبح تا ۶ بعد از ظهر. این اصول کلی کار در این شرکت بوده است. ولی بعد از روی کار آمدن بعضی از آقایان برای افراد رسمی همان ۱۴ روز کار به همراه همان مقدار استراحت باقی مانده است ولی برای کارگران که فشار بیشتر کاری را متحمل می کردند گاهی تا ۶۰ روز در منطقه می ماند و فقط ۱۰ روز (به صورت ماکزیمم به استراحت می پردازند). البته این بماند که برای رسمی ها با همین مقدار کار اضافه کار در نظر گرفته می شود ولی برای افراد کارگر و پیمانکار حتی یک ثانیه هم در نظر گرفته نمی شود. برای کارگران ۱۰ ساعت در روز حساب می گردد و برای رسمی ها ۱۲ ساعت.

این از وضع کاری اینجا جالبی کار اینجاست که با اینکه در بعضی از جاهها مثل خدمات اداری و رستوران که جا و غذای کلیه نیروهای کارگر با شرکت می باشد ولی اینکار بدین صورت انجام می گیرد که:

به کارگران اول وسایل خواب دسته دوم و یا سوم تحویل می دهند از پتو؛ ملافه، حوله و غیره گرفته تا تشک و ... این در حالی است که برای یک نیروی رسمی که همین شرایط دارد (جا و غذا با شرکت) همه چیز نو و دست نخورده است. کارگران باید از آب لوله که غیر قابل شرب و از آب برگشتی از فاضلابهای انسانی گرفته شده است استفاده کنند ولی نیروهای رسمی باید از آب معدنی استفاده کنند جالبی کار اینجاست که سهمیه کارگران در جیب بعضی از آقایانی می رود که حقوقشان از ۳ میلیون تومان در ماه (۱۴ روز) بیشتر می باشد. این بماند. از سوغاتیهایی که پیمانکار رستوران به بعضی آقایان (رئیس امور اداری و همکارانش) پیشکش می کند. حتی یکسال به رئیس امور اداری وقت حبیب دستغیب یک پراید پیشکش داده بودند نام پیمانکار هم آقای کلاری نام شرکتش هم سارا بود (می توانید تحقیق کنید). رئیس امور اداری وقت هم ایرانیاک با دار و دسته اش است که امثال داریوش دهداری و برای اینکه صدای بعضی مسئولین دزد و زالو صفت نظیر ناصر تنگستانی بخوابد هم تریاک و مواد مخدر تهیه می کنند که دیگر زحمت نکشند به بروند دهکده بخرند.

نامه های بعدی ما

۱- انتقال کارگران به سوله های ۱۵ نفری که آدم را یاد سربازی می اندازد

۲- دزدی در پروژه های بزرگ در حال اجرا در لاوان

۳- استفاده از کارت سوخت ماشین های دولتی در شهرستانی دیگر توسط بعضی ها و جلو بردن کیلومتر ماشینها با

در یلهای تعمیراتی

۴- حقوق و مزایای سفارشی رئیس امور اداری

۵- تبعیض در حق بچه های بومی

با تشکر و سپاس

با سلام و خسته نباشید

گزارش دوم :

انتقال کارگران به سوله های ۱۵ نفری که آدم را یاد سربازی می اندازد

کارگران (که اکثرا بومی استان هرمزگان و شهرستانهای همجوار منجمله لامرد فارس) پس از اینکه از کمپ پیمانکاران به خاطر وقایع اسف بار بهداشتی و همچنین مسائل حقوقی^۱ به کمپ پروژه آورده بودند و هر ۱۰ نفر را در یک سوئیت ۲۵ متری جای دادند لازم به ذکر است که این سوئیت ها شامل دو اتاق خواب و یک هال به همراه یک دستشویی بود که قبلا توسط خارجی طراحی شده بود و از رده خارج بودند ولی به هر حال کارگران به این سوئیت ها آمدند و راضی بودند . تا اینکه ...

... تا اینکه از ۱۵ روز پیش شروع به انتقال آنها به سوله های پیش ساخته ای کرده اند که مساحت آنها بصورت ۳۰ متر مربع است و هر سوله شامل ۱۰ اتاق می شود که هر اتاق ۳۰ متری در حاشیه یک راهرو قرار گرفته است . جالبی کار اینجاست که در این سوئیتها افراد نوبتکار حراست و آتش نشانی که از کارگران زحمت کش این شرکت می باشند و اکثرا بچه ها بومی استان هرمزگان و شهرستان لامرد می باشند بدون هیچ ادعایی هم برای این شرکت با حقوق ۲۵۰ هزار تومان در حال کار کردن می باشند ، در این سوله جای داده اند که به محض اینکه یکی ته راهرو راه برود همه از خواب می پرند تا چه رسد به دربهای آلومینیومی که با کوچکترین بسته شدنی تمام ساختمان به لرزه در می آید و همه از خواب برخاسته می شوند . آدم یاد دوران آموزشی در خدمت سربازی اجباری می اندازد . چند روز پیش بارندگی بوده و بچه های شب کار که در حال خواب بوده اند می بینند که قطره های باران است که به سوی آنها نشانه رفته اند برای همین با پلاستیکی که بر روی سر و صورت خود کشیدند تا شاید بتوانند اندکی استراحت کنند که شب سر کار اذیت نشوند . این در حالی است که این سوله ها هنوز تمام نشده است و بالای آن روی سقف شیروانی دار کارگران در حال کار می باشند که سر و صدای بچه ها را در آورده تا جایی که به نیت تحصن به درب حراست می آیند و خیلی راحت به آنها می گویند اگر نمی خواهید تسویه کنید و بروید ما اینجا آدم داریم که با ماهی ۱۰۰ تومان کار می کند . برای همین منظور اینکارگران که هیچ گونه پناهگاه مالی ندارند و همه به این پول نیاز دارند مجبور به ایستادن کردند . در این کشور هیچ تکیه گاهی ندارند شعارهای وزیر کار همش شعار بدون و شعور است و اشعاری بیش نیست .

لازم به ذکر است که سرویسهای بهداشتی از سوله حدود ۲۵۰ متر فاصله دارد که با احتساب مسافت رفت و برگشت نیم کیلومتر می شود حالا شما خود را جای این کارگران فرض کنید که شب کاری دارند کارهای سخت را انجام می دهند بعد برای یک حمام در هوای سرد و گرم کشنده تابستان چه کار باید انجام دهند . با شرجی شدن هوا به محض اینکه از حمام برگشتی دوباره باید برگردی و به حمام بروی چون بوی عرق فضای اتاق را می پیچاند و به سونایی تبدیل می شود که تحملش غیر ممکن است .

آری این شعور مسئولان این مملکت است . تو را به خدا به هر کسی که اعتقاد داری این حرفها انعکاس داشته باشد چون ما تنها امیدمان همین کانال شده است . تازه بین بچه ها بارقه ای از امید به واسطه اولین گزارشم پیش آمده است البته این موضوع بین من و یک نفر دیگر هست . انشالله به ما کمک کنید تا بتوانیم احزاب و دسته های کارگری را همینجا نهال کاری کنیم .

با تشکر از لطف شما

^۱ - اشاره به حوادث و اعتصاب کارگران در سال ۱۳۸۲ دارد که پس از تحصن ۴۸ ساعته و عدم حضور در سر کار نود درصد آنها را اخراج کردند (بعدا مفصلا توضیح داده خواهد شد)